

معاش یا بیع

قرن‌هاست که جوامع اسلامی با دیدن کلمه بیع در قرآن و سابقه طولانی نظام اقتصادی مبتنی بر خرید و فروش و کسب سود در زندگی بشر، سر خود را پایین انداخته اند و مباحه می کنند و به ظرفیتهای قرآن و اسلام در خصوص طرح ریزی و تحول زندگی بشر، توجه شایسته ندارند. خداوند نیز در نص صریح قرآن بیان کرده که ملت‌ها باید با تحول علمی و فرهنگی، خود زمینه تغییر بر اساس هدایت‌های قرآن و اسلام را بوجود بیاورند.

(الرعد).

لَهُ مَعْقَبَاتٍ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ﴿١١﴾

برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می کنند در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود.

یکی از ساده ترین مواردی که برای طرح ریزی نظام اقتصادی جامعه باید ملحوظ داشت، اقسام طبیعی داد و ستد بمنظور تامین ملزومات زندگی بشر می باشد.

چهار نوع داد و ستد و برای هر یک از آنها معادلی قرآنی قابل استنباط است :



۱- افراد جامعه در قالب نظام خرید و فروش و مبتنی بر کسب سود بر مبنای واحد مبادله (پول) ملزومات مورد نیاز جامعه را تولید و ارائه نمایند . معادل قرآنی قابل تطبیق با این شیوه ، بیع است

۲- افراد جامعه ، در قالب مشارکت بر اساس سهم بری به میزان تاثیر در طرح اقتصادی، بهره مند شوند. معادل قرآنی قابل تطبیق با این شیوه، تجارت است (اسم مصدر از ریشه جار بمعنی مجاورت و پناه دادن است و مبتنی بر تقسیمات جاری ، خداوند نگاهی اصلاحگرانه به کاربرد کلمه تجارت دارد).

۳- افراد جامعه در راستای کسب رضای خدا و خلق او از طریق انفاق یا قرض به کارگشایی مشکلات دیگر آحاد جامعه بپردازند. معادل قرآنی قابل تطبیق با این شیوه، احسان است.

۴- افراد جامعه ، در قالب مشارکت عمومی ، عیش به عنوان ثروت حقیقی قابل تخصیص به انسانها را تدوین نموده و کمال عیش قابل ارائه به آحاد جامعه (مبتنی بر تساوی تخصیص در برخی وجوه و اختلاف در پاره ای وجوه دیگر) را در ساختاری عمومی و مبتنی بر شهر نوین اسلامی و با حدود یک سوم سال فعالیت انسانی در صنعت ، تامین می نمایند. معادل قرآنی قابل تطبیق با این شیوه ، معیشت است.

معنی خاص بیع، فروش و معنای عام آن خرید و فروش می باشد و در قالب کسب منفعت حاصل از فروش قابل تعریف است و اقسام آن در حروف بیع ، خلاصه شده است :

بیع: ب ی ع : بداعی ، یدی، عوضی

بیع بداعی عبارتست از فروش کالا یا محصول تولید شده

بیع یدی عبارتست از فروش کالا یا محصول خریداری شده یا بدست آمده بعنوان واسطه

بیع عوضی عبارتست از فروش کالا یا محصول در قبال دریافت محصول یا کالای دیگر بصورت مبادله و دلیل لحاظ مبادله کالا با کالا یا محصول بعنوان بیع، آیه ذیل است:



(التوبة).

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۱۱)

در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است

(توضیح اینکه از آیه فوق چنین استنباط می‌شود که بلحاظ مخاطبان و ذینفعان مبیعه، در قرآن دو نوع بیع داریم یکی بیع انسان با انسان و دیگری بیع انسان با خداوند)

انواع داد و ستد اجتماعی (اقسام روشهای رفع نیازهای زندگی بشر در جامعه مدنی)		
نوع	تعریف	هدف
معیشت	مشارکت عمومی بمنظور تخصیص حکممدار و عادلانه عیش (بعنوان ثروت حقیقی) به همه آحاد جامعه	برکت
تجارت	بهره مندی مبتنی بر سهم بری بر اساس میزان مشارکت	ربح
احسان	بخشش یا قرض از بضاعت‌های جانی و مالی در راستای کسب رضای خدا و کمک به خلق او	خیر
بیع	کسب سود مبتنی بر فروش	نفع



با نگاهی منصفانه به اقسام فوق ، در می یابیم که بیع ، تمام اقتصاد نیست بلکه بخشی از آن و ای بسا ضعیف ترین نوع آن است. زیرا با تدبر عمیق به ساختار خرید و فروش و بیع، متوجه خواهید شد که بیع از سنخ تجارت و احسان و معیشت نیست زیرا تجارت و احسان و معیشت ، بن مایه ای وحدت مدار دارند اما بیع دارای ذاتی فرد گرا و وحدت گریز است.

در نظام خرید و فروش (بیع) به این دلیل به فروختن می پردازیم که سود کسب کنیم تا با سود و پول کسب شده ، ملزومات زندگی خود را تامین نمائیم.

این شیوه دو ایراد عمده دارد:

اولا، بنیان آن با تدوین عیش به عنوان ثروت حقیقی و تخصیص حقمدار آن بین آحاد جامعه در تعارض است

دوما، بر خلاف تجارت و احسان و معیشت ، ماهیتی فردگرا و وحدت گریز دارد

اکنون با در نظر گرفتن مطالب فوق و مدایقه در آیه ذیل، در خواهیم یافت که تاویل این آیه ، اشاره به نظام اقتصادی حقیقی اسلام در زمان حضرت مهدی (عج) دارد زیرا بیع ، تمام اقتصاد نیست که در روز قیامت تنها بیع نباشد و تجارت و معیشت و احسان ، وجود داشته باشد:

(البقره).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ
الظَّالِمُونَ (٢٥٤)

ای کسانی که ایمان آورده اید از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه بیع است و نه دوستی و نه شفاعتی و کافران خود ستمکارانند

و یا انگاشتن بیع به عنوان تمام اقتصاد در آیه ۹ سوره جمعه نیز مورد مناقشه قرار می گیرد:



خداوند در قرآن با اندکی پوشیدگی ، به صراحت از راز بزرگ سیستم اقتصادی تمدن نوین اسلامی پرده برداشته است.

(. الجمعة) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٩)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون برای نماز جمعه ندا در داده شد به سوی ذکر خدا بشتابید و بیع را واگذارید اگر بدانید این برای شما بهتر است

در این آیه شریفه ، در ظاهر ، همه چیز عادی به نظر می رسد و گویا خداوند به مومنین زمان پیامبر (ص) متذکر می گردند که در هنگام نماز جمعه کسب و کار را رها کنند و به عبادت پردازند. لکن مطلب به این سهولت که تصور می کردیم نیست. بیع که تمام اقسام داد و ستد نیست فلذا تکلیف تجارت و احسان و معیشت در هنگام برپایی نماز جمعه چگونه خواهد بود؟

جمعه متعلق به امام زمان (عج) می باشد و وجود شریف این امام بزرگوار نیز نماد تمدن نوین اسلامی است. بنابراین جمعه نماد تمدن نوین اسلامی و جامعه مهدوی است.

صلوة در آیه شریفه فوق معادل ظهور و شکل اختصاری چهار نظام علمی معاش اسلامی می باشد.

صلوة : ص ل و ه : صنع (نظام صنعت) ، لذت (نظام عیش و ثروت حقیقی) ، وزن (نظام ارزشگذاری ملزومات و ساختار اجرایی بیع صحیح) ، تمدن (ساختار شهر نوین اسلامی)

دلیل استفاده اقتصادی از کلمه صلوة و رسوخ در حروف آن در آیه ذیل بیان شده است:

(. النساء) .

لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا (١٦٢)



لیکن راسخان آنان در دانش و مؤمنان به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان دارند و خوشا بر نمازگزاران و زکات‌دهندگان و ایمان‌آوردندگان به خدا و روز بازپسین که به زودی به آنان پاداشی بزرگ خواهیم داد

علم تاویل قرآن از نوع رسوخی است و باید در کلمات قرآن رسوخ علمی کنیم بهمین جهت خداوند ، راسخون در علم را دست یابندگان به تاویل کلمات قرآن می داند. استفاده عبارت "الراسخون فی العلم" در ابتدای آیه، بیانگر اینست که لازمست در کلمات آیه فوق ، رسوخ علمی کنیم و صلوة و زکوة نیز یکی از کلمات این آیه هستند. مرافقت کلمه صلوة کنار زکوة در قرآن رهنمون تجانس این دو است بخصوص اینکه در نص صریح قرآن به کاربرد عبادی و اقتصادی صلوة ، اشاره شده است:

(. هود).

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتِكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ تَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ
الرَّشِيدُ (٨٧)

گفتند ای شعیب آیا نماز تو به تو دستور می دهد که آنچه را پدران ما می پرستیده‌اند رها کنیم یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم راستی که تو بردبار فرزانه‌ای

از مطلوبات حروف صلوة ، تنها ، کلمه استراتژیک (ظهور) قابل استحصال است.

ص	ل	و	ه = ت
ط	ج	س	د
ظ	ش	خ	م
ج	ب	ب	ب
ل	ه	ج	د
ی	و		ی
ب	ی		ر
ه			ق
			ح
ظ	ه	و	ر



صلوة در آیه فوق، علاوه بر عبادت و زندگی عبادتمدار، اشاره به ظهور و چهار نظام معاش اسلامی دارد و لفظ جلاله الله نیز مضرب ۱۱ نماد محبت خدا است.

بنابراین، معنی باطنی آیه فوق چنین می شود:

"ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که برای ظهور و پایه ریزی تمدن نوین اسلامی، بر اساس هدای صلوة (صنع، لذت، وزن، تخصیص)، ندا داده شد، در برپایی سبک زندگی باشکوه اسلامی مبتنی بر عشق به خدا بشتابید و بیع را واگذارید. این برای شما بهترین هدایت است اگر به آن علم پیدا کنید."

مسئله مهمی که پیش می آید اینست که با خروج بیع از ارکان معاش اسلامی، چه تحولی ایجاد می شود؟

حقیقت اینست که خرید و فروش، رکن اصلی معاش اسلامی نیست بلکه این نظامهای مستور در کلمه صلوة است که ارکان معاش صحیح را تشکیل می دهند. رکن یک نظام علمی هرگز حلال شمرده نمی شود بلکه موکدا مانند صلوة و زکوة، تاکید می گردد. بهمین دلیل در قرآن، بیع، حلال گردیده است اما توصیه شده که آنرا واگذاریم. بیع مسئله اولیه معاش نیست بلکه مسئله ای ثانویه است.

طبق آمارهای نهادهای اقتصادی و اجتماعی کشور، بیش از نیمی از جمعیت کار کشور ایران در مشاغل غیر مولد فعال هستند.

با تدوین عیش بعنوان ثروت حقیقی و نظام تخصیص حقمदार آن به آحاد جامعه و همچنین حذف بیع از ارکان اصلی معاش، باشکوه ترین سبک زندگی الهی ایجاد خواهد شد که در نتیجه حداقل دخالت انسان در تولید و حداکثر دخالت صنایع و سیستمها و تولید احسن با رویکرد باکیفیت ترین ملزومات زندگی بشر، انسان حدود یک سوم سال را به فعالیت در تولید می پردازد و مابقی سال را صرف لذت از نعمات الهی و زندگی باشکوه اسلامی خواهد نمود و فقر بطور کامل از بین خواهد رفت.

بیشتر عمر ما نباید برای کار و بردگی بگذرد. بلکه باید صرف تنعم از لذتهای حقمदार خداوند بشود. در شهرنوین اسلامی همه برای رفاه کل جامعه کار می کنند و کسی برده کسی نیست و یک شهر محلیست برای هم افزایی مهارتها و پوشش نقایص افراد.



قسمت اصلی زمان لازم برای تولید، وظیفه صنعت مترقی است. انسان بیش از چهارماه در سال نباید کار کند و بهترین امکانات رفاهی و مدل زندگی شهر نوین اسلامی باید فراهم باشد. روایات نیز این مطلب را تأیید می کنند. امیرالمومنین می فرمایند ساعات خود را سه تقسیم کنید و تنها یک سوم آنرا کار کنید. حداکثر یک سوم سال کار و مابقی لذتجویی و رفاه کامل در تمدن مقتدر الهی.

ذرو البیع یعنی کلمات خداوند در قرآن را جدی بگیریم

ذرو البیع یعنی بیع، تمام اقتصاد نیست بلکه بخش خفیفی از آن است که توصیه شده آنرا نیز رها کنیم

ذرو البیع، یعنی کشور، خانواده ای بزرگ است و اگر نیک بیندیشیم، در خانواده، طمّاعی، زبینه و پسندیده نیست.

ذرو البیع، یعنی زمینه سازی اجتماعی برای درک این کلام امیرالمومنین که فرمود: "یک روز دنیا را به تمام آخرت نمی دهم"

ذرو البیع، یعنی بهتر از جامعه خواهی شرق، عالی تر از سرمایه داری غرب

ذرو البیع یعنی پیش پا افتاده ترین مسئله در تمدن نوین اسلامی، رفاه کامل همه آحاد جامعه با بهترین کیفیت ملزومات زندگی می باشد

ذرو البیع یعنی ملاک ارزش انسانها مال و دارایی نیست

ذرو البیع یعنی رویایی ترین شبها و شوق انگیزترین روزها را برای خود بسازید

ذرو البیع یعنی ارزشهای عالی با مال و دارایی قابل اندازه گیری نیستند

ذرو البیع یعنی در جامعه تراز اسلامی، کم اهمیت ترین موضوعات، دارایی و مال است ولی همه باید با کیفیت ترین ملزومات را داشته باشند

ذرو البیع یعنی روزی و احساس خوشبختی کامل با دارایی محقق نمی شود

ذرو البیع یعنی اصل بر لذتهای حقمدار است نه اموال



ذروا البیع یعنی دست از بخل و تکاثر بردارید تا جامعه حتی یک فقیر هم نداشته باشد

ذروا البیع یعنی بجای تقابل در داد و ستد، با تعامل با یکدیگر در ایجاد مرفه ترین جامعه بشری
بکوشید،

ذروا البیع یعنی کسی برده اقتصادی کسی نباشد

ذروا البیع یعنی بخاطر محرومیت برخی انسانها از پاره ای استعدادها و مهارتها، آنها را از مواهب مادی
محروم نکنید تا هیچ پدری شرمنده فرزندش نشود و هیچ جوانی از زندگی سیر نشود

ذروا البیع یعنی خداوند آنقدر منابع مادی مرحمت کرده که کسی محروم نخواهند ماند و تنها باید به
یکدیگر در رسیدن به رفاه همه افراد جامعه یاری بدهیم

ذروا البیع یعنی آنقدر لذتهای عالی نهادینه نشده وجود دارد که حرص مال در برابر آنها هیچ است

ذروا البیع یعنی شبیه ترین جامعه به بهشت را پایه ریزی کنید

ذروا البیع یعنی فروش اموال را رها کنید و عشق و زیبایی داد و ستد کنید

ذروا البیع یعنی با مشارکت همه در تولید و توزیع، حداکثر یک سوم سال را به کار پرداخته و مابقی را
صرف لذت از نعمات خداوند کنیم

ذروا البیع یعنی بدون بیع هم می توان زیبا و مقتدر زندگی کرد و بالاتر از سیاهی وضعیت اقتصاد
سرمایه داری غیر الهی فعلی، رنگی نیست

ذروا البیع یعنی با دارایی و اموال، روزی افزایش نمی یابد

ذروا البیع یعنی طلا و جواهر گنج واقعی نیستند بلکه گنج واقعی، خالق این نعمتهاست

ذروا البیع یعنی بسیاری از مصادیق داد و ستد فعلی، توهین به شخصیت انسان به عنوان موجود عالی
روی زمین است



یکی از بزرگترین مصادیق رکود علمی قرآنی، در دانش اقتصاد روی داده است. در زمان حیات پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه هدی علیهم السلام، تامین ملزومات زندگی بر اساس خرید و فروش و کسب سود و بدست آوردن سکه بعنوان پول رایج آن زمان، کارسازی می شد و مبتنی بر شرایط اقتصادی آن زمان، از زکوة بعنوان عامل تحقق عدالت اجتماعی استفاده می شد. به بیان ساده، نظام اقتصادی دوران ائمه (قبل از حضرت مهدی) و پیامبر (ص)، بیع مبنا بوده است که به فراخور مقتضیات صنعت آن زمان و پذیرش اجتماعی و فرهنگی آن دوران، انتظام یافته است. اما شخص پیامبر و نیز پیشوایان دینی بعد از ایشان مجدانه تاکید می کردند که تحقق کامل اسلام و نظام اقتصادی آن در دوران حضرت مهدی (عج) و در آخرالزمان صورت می گیرد زیرا شرایط صنعتی و اجتماعی در آخرالزمان، ظرفیت نهادینه سازی کامل ترین و جامع ترین برنامه زندگی بشر را دارا می باشد.

روایات نقل شده از پیامبر و ائمه (س) از وقوع تحولی شگرف در نظام اجتماعی و اقتصادی در آخرالزمان و بر اساس حقایق اسلام و قرآن حکایت دارند و این موضوع موید این مطلب است که آنها از این دانش قرآنی بهره مند هستند و تا رسیدن به شرایط لازم برای تحقق اسلام حقیقی به تدبیر امور اقتصادی و اجتماعی می پردازند.

ارکان اسلام و اقتصاد حقیقی اسلامی در قرآن کریم بیان شده و در روایات به تاثیر اجتماعی و جهانی آنها پرداخته شده است. اما این ما بودیم که متناسب با تحولات علمی و اجتماعی بشری، از قرآن استفاده نکردیم و تنها به قیاس سطحی با شرایط صدر اسلام بسنده کردیم.

پیامبر گرامی اسلام (ص): و ان الثانی عشر من ولدی یغیب حتی لا یری و یاتی علی امین بزمن لا یبقی من الاسلام الا اسمہ و لا یبقی من القرآن الا اسمہ فحینئذ یأذن الله تبارک و تعالی بالخروج فیظہر الله الاسلام به ویجدده؛ دوازدهمی از فرزندانم به طوری غایب می شود که اصلاً دیده نمی شود. زمانی خواهد آمد که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسم و اثری باقی نمی ماند، در آن هنگام خدا به وی اجازه نهضت می دهد و به وسیله او اسلام را تقویت کرده، تجدیدش میکند

امام باقر (ع): لکانی انظر الیه بین الرکن و المقام یبایع له الناس بامر جدید و کتاب جدید و سلطان من السماء اما انه لا ترد له رایه ابدًا حتی یموت: گوئی به او می نگریم بین رکن و مقام، که مردم با او بیعت می کنند، که



در میان ایشان به امر جدید و کتاب جدید و حکمرانی جدیدی از آسمان فرمان راند. آگاه باشید که پرچم او هرگز باز نمی گردد تا اینکه از دنیا رخت بر بندد

امام صادق (ع) : اذا خرج القائم جاء بامر جديد كما دعا رسول الله في بدء الاسلام الى امر جديد ؛ هنگامی که قائم ظهور کرد با امر جدید خواهد آمد ، چنانکه رسول خدا در آغاز اسلام مردم را به امر جدید دعوت می کرد

فلذا با سطحی نگری در کلمات مقتدر قرآن ، دچار رکود علمی در دانش اقتصاد اسلامی شده ایم و لازم است تا با تمام قوا ابعاد گوناگون کلام خدا را مدایقه نموده و خود را برای تحول عظیم و جهانی اسلام در آخرالزمان آماده کنیم.

کلمات قرآن ، عمق علمی دارند و اشاره روایات به اینکه حروف قرآن دارای ظاهر و باطن است تنها یک تعارف ادبیاتی نیست و کاربرد علمی دارد.

علم نحوه قرائت و فهم کلام خدا در کلمه قرآن مستور است.

قرآن بر وزن فعالان از دو بخش قرا + ان تشکیل شده است بمعنی قرائت دو وجهی

(. الزمر).

اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدًى لِّلَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ (٢٣)

خدا زیباترین سخن را به صورت کتابی متشابه و دو وجهی نازل کرده است آنان که از پروردگارشان می هراسند پوست بدنشان از آن به لرزه می افتد سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می گردد این است هدایت خدا هر که را بخواهد به آن راه نماید و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست

قرآن یعنی کلام کتاب خدا دو بعدی است و عمق دارد و بدون پرداختن به بعد و عمق کلمات و حروف آن ، فهم دانش مستور در این کتاب به کمال نمی رسد.

اما چرا باید کلمات قرآن ، دو بعدی بوده و دارای عمق باشد؟ پاسخ آن ساده است:



زیرا شایسته است کلمات خداوند ، غنی و قائم بذات باشند و ارکان علمی آنها در درون خودشان نهفته باشد در غیر اینصورت کلمات خداوند محتاج تعریف یا عامل بیرونی می شوند و وابستگی ، در شان کلام پروردگار نیست.

بنابر این فهم ما در خصوص کلماتی مانند قسط، اسلام، صبر، صلوٰه ، زکوٰه ، معیشت ، بیع و معاش ، بدون توجه به بعد دوم حروف این کلمات ، به کمال و تعالی نمی رسد.

درک هدایت مستور در کلمات خداوند کار غیر ممکن نیست (و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر) و فقط کافی است دو گام زیر را برداریم :

اول اینکه بدانیم کلمه مورد نظر مربوط به کدام علم یا چه بخشی از علم است

دوم اینکه ارکان آن را بر اساس حروف این کلمه شناسایی کنیم

با این مقدمه و مدایقه در کلمات اقتصادی قرآن کریم ، واژه **معاش** بعنوان معادل قرآنی دانش اقتصاد اسلامی قابل استنباط است که وجوه آن در ادامه تشریح می گردد.

معاش : ش ا ع م : شاکله احسن عیش مدنی

برای اینکه نظام علمی سبک زندگی عالی اسلامی و حقیقی را پایه ریزی کنیم باید باید وجوه بنیانی این مقوله را عمیقاً مدایقه و شناسایی نمائیم . هدف از دانش اقتصاد حقیقی اسلامی چیست؟

با نگاهی بنیانی واضح است که هدف از این دانش ، زندگی اجتماعی عالی ، اخلاقی ، علمی و دینی است تا همه آحاد جامعه بر اساس عدالت و حق، از ثروت حقیقی (عیش) شایسته خود، بطور مدام ، بهره مند گردند. به بیان ساده هدف از دانش معاش حقیقی ، برکت است. معنای برکت عبارتست از استقرار مدام خیر و نعمتها



بیشتر اشاره شد که چهار نوع داد و ستد بین انسانها بر اساس منطق و کلمات قرآن ، قابل شناسایی است و لازم است جهت تحقق هدف دانش اقتصاد حقیقی اسلامی ، یکی از آنها بعنوان رکن اصلی این دانش انتخاب شود.

۱- افراد جامعه در قالب نظام خرید و فروش و مبتنی بر کسب سود بر مبنای واحد مبادله (پول) ملزومات مورد نیاز جامعه را تولید و ارائه نمایند . معادل قرآنی قابل تطبیق با این شیوه ، بیع است

۲- افراد جامعه ، در قالب مشارکت بر اساس سهم بری به میزان تاثیر در طرح اقتصادی، بهره مند شوند. معادل قرآنی قابل تطبیق با این شیوه، تجارت است (اسم مصدر از ریشه جار بمعنی مجاورت و پناه دادن است و مبتنی بر تقسیمات جاری ، خداوند نگاهی اصلاحگرانه به کاربرد کلمه تجارت دارد).

۳- افراد جامعه در راستای کسب رضای خدا و خلق او از طریق انفاق یا قرض به کارگشایی مشکلات دیگر آحاد جامعه بپردازند. معادل قرآنی قابل تطبیق با این شیوه، احسان است.

۴- افراد جامعه ، در قالب مشارکت عمومی ، عیش به عنوان ثروت حقیقی قابل تخصیص به انسانها را تدوین نموده و کمال عیش قابل ارائه به آحاد جامعه (مبتنی بر تساوی تخصیص در برخی وجوه و اختلاف در پاره ای وجوه دیگر) را در ساختاری عمومی و مبتنی بر شهر نوین اسلامی و با حدود یک سوم سال فعالیت انسانی در صنعت ، تامین می نمایند. معادل قرآنی قابل تطبیق با این شیوه ، معیشت است.



انواع داد و ستد اجتماعی (اقسام روشهای رفع نیازهای زندگی بشر در جامعه مدنی)		
هدف	تعریف	نوع
برکت	مشارکت عمومی بمنظور تخصیص حقممدار و عادلانه عیش (بعنوان ثروت حقیقی) به همه آحاد جامعه	معیشت
ربح	بهره مندی مبتنی بر سهم بری بر اساس میزان مشارکت	تجارت
خیر	بخشش یا قرض از بضاعتهای جانی و مالی در راستای کسب رضای خدا و کمک به خلق او	احسان
نفع	کسب سود مبتنی بر فروش	بیع

با نگاهی منصفانه به اقسام فوق و مدایقه در هدف دانش اقتصاد اسلامی و حقممدار (برکت بعنوان استقرار مدام خیر و نعمتها) بر ما آشکار می گردد که معیشت، شیوه ای است که تامین کننده اهداف مد نظر اسلام در بخش سبک زندگی خواهد بود و با این مقدمه، واژه معاش، بلحاظ ساختار حرفی بمنظور تجمیع اختصاری ارکان علمی آن، معادلی مناسب برای دانش اقتصاد حقیقی اسلامی است.

بر این اساس، معاش، ماخوذ از ریشه عیش می باشد که معادلی مناسب و قرآنی برای ثروت حقیقی می باشد و ارکان علمی معاش بر پایه حروف این کلمه به شرح ذیل است:

معاش : ش ا ع م : شاکله احسن عیش مدنی

معاش : م ع ا ش : مبنا، عوارض، اخلاق، شرع

عیش : ع ی ش : عمومی، یقظه، شخصی

مبنا : معاش : م ع ا ش : مالکیت، عیش، انجام، شمول

عوارض : ص ل و ه : صنعت، لذت، وزن، تمدن



معاش (م ع ا ش : شاکله احسن عیش مدنی)		معاش : م ع ا ش : مبنا ، عوارض ، اخلاق ، شرع							
<p>مبنا: مبانی بنیانی معاش عوارض: وجوهی که به تبع مبانی بنیانی، عارض می گردد اخلاق: نهادینه شدن وجوه اخلاقی بعنوان رکن معاش شرع: نهادینه شدن وجوه شرعی بعنوان رکن معاش</p>									
مالکیت درجه یک از ان خداست	درجه یک	تدوین نظام	مالکیت	م					
مالکیت درجه دو متعلق به عموم ملت است	درجه دو	مالکیت مواهب و منابع کشور							
مالکیت درجه سه مربوطه به تملک افراد بر اموال و سرمایه های شخصی است	درجه سه								
سلامت ، یکی از ارکان ثروت حقیقی است	سلامت	تدوین عیش بعنوان ثروت حقیقی	عیش	ع	مبنا	م			
مجموعه لذایذ حقمदार	لذت								
ملزوماتی که تامین آنها حیاتی است	ملزومات								
تحقق معاش حقیقی در قالب پذیرفتن معیشت از بین چهار نوع داد و ستد متداول (معیشت، تجارت، احسان، بیع) محقق می شود	معیشت	ارکان بنیانی تحقق معاش	انجام	ا					
معاش در سه بخش عمومی ، یقظه و شخصی انسجام می یابد (عیش : ع ی ش : عمومی ، یقظه ، شخصی)	عیش								
اهداف معاش: ع ی ش : عدالت ، یسر ، شرافت	عیش								
تخصیص بخشهای عیش که زینت زندگی هستند	زینتی	تدوین نظام تخصیص عیش بین افراد جامعه (زکوه : تخصیص وجدانی، کامل، زائد)	شمول	ش					
تخصیص بخشهای عیش که لازمست بقدر کفایت اختصاص یابند	کفایتی								
تخصیص بخشهایی از عیش که مبتنی بر مهارت و شایستگی خاصی اختصاص می یابند	وصالی								
تخصیص: اختلافی، مساوی مخاطبان تخصیص: انسان ، حیوانات ، نباتات	تخصیص								
نظام صنعت صحیح مبتنی بر یک سوم سال	صناعت	تدوین نظام							



فعالیت انسان در بخش صنعت عمومی			صنعت صحیح	صنعت	ص	عوارض	ع	
	نظام توزیع صحیح	نشر						ن
	نظام اعاده و باز تولید مواد و انرژی	عودت						ع
تدوین منظومه های لذایذ حقمدار اجتماعی در راستای تبدیل جامعه اسلامی به یکی از فرهنگی ترین و شادترین جوامع دنیا			لذات	ل				
قوام : حکمت و طرح بکار رفته	قوام	ق	تدوین نظام ارزشگذاری ملزومات	وزن (واقیموالوزن بالقسط)	و	عوارض	ع	
ساعت: زمان بکار رفته	ساعت	س						
طبیعت: طبیعت بکار رفته اعم از مواد و انرژی و منافع حیوانی و نباتی	طبیعت	ط						
ساختار مسکن بر اساس هدای قبله در قرآن	مقابله	م	تدوین ساختار شهر نوین اسلامی مبتنی بر معاش	تمدن	ه	عوارض	ع	
برنامه کنترل جمعیت شهر	دحو	د						
ساختار شهر نوین اسلامی سلم: سکونت، لذات، معیشت	نظام	ن						
در جامعه ای که فقر وجود نخواهد داشت هدایات قرآنی مانند انفاق، صدقه، اکرام ایتام، ابن السبیل، مولفه بین قلوب، غارمین، مساکین، رقاب، فقراء بمنظور نهادینه کردن اخلاق اسلامی و معاش محبت مدار تدوین می گردد			وجه اخلاقی و هدایات ذکر شده در قرآن در خصوص بخش اخلاقی معاش		ا	اخلاق		
ربا: اخذ افزون و زیادی ناحق ربا: ر ب ا : ردی، بخشی، ارضی ربای ردی: در سطح خرد، اخذ افزون ناحق علاوه بر اصل هر چیز و در سطح کلان، نظام مالی و ارزشگذاری ناصحیح و نوسانی ربای بخشی: در سطح خرد، اخذ افزون و زیادی ناحق ناشی از کم فروشی یا نزول و در سطح کلان، نظام غلط تخصیص عیش در جامعه ربای ارضی: در سطح خرد، محاسبه بهای کامل زمین در طبقات فوقانی ملک افزون بر هزینه ساخت واحد مسکونی در طبقات ساخته شده و در سطح کلان، ساختار غلط شهر و تخصیص ناعادلانه امکانات شهر و موارد نهی شده در کتاب خدا مانند خمر، میسر، ذبیح اسلامی			وجه شرعی و احکام ذکر شده در قرآن در خصوص معاش اسلامی		ش	شرع		



در بخش مبنایی معاش ، مبتنی بر حروف معاش ، چهار مولفه ذیل بیان شده است:

معاش : م ع ا ش : مالکیت ، عیش ، انجام ، شمول

در بخش مالکیت ، نظام مالکیت در تمدن اسلامی مبتنی بر معاش اسلامی ، مورد مذايقه قرار می گیرد. با بهره گیری از هدايات قرآن کریم و تدبر در شیوه داد و ستد معیشت (مشارکت عمومی در جهت تامین عیش کامل و حقدار همه آحاد جامعه) ، می توان مالیکت را در سه درجه تدوین نمود.

مالکیت درجه یک : متعلق به خداوند

مالکیت درجه دو : متعلق به عموم جامعه

مالکیت درجه سه : متعلق به اشخاص مالک اموال و سرمایه های شخصی

در بخش تدوین عیش ، ثروت حقیقی در قالب عیش ، معرفی و مبتنی هدايت اختصاری ریشه کلمه اسلام (سلم) که کلید طرح ریزی زندگی بشر می باشد در سه بخش (س ل م : سلامت ، لذت ، ملزومات) به شرح ذیل انتظام می یابد:

بر این اساس ثروت حقیقی ترکیبی تراز و جامع از لذایذ مادی و معنوی می باشد. یکی از رازهای کلمه اسلام نیز تبیین ثروت حقیقی است.



نظام لذۀ (عیش)			
اسلام : انتظام سواء لذایذ احسن معیشتہ (لذتہای حقدار)			
عیش (ثروت حقیقی) : سلم : س ل م : سلامہ ، لذہ ، ملزومات			
س	سلامتہ	سلامتی عمومی، ورزش و تفریحات حقدار ، زیبایی ، نظام درمان و شفاء	
عیش (ع ی ش) : عدالہ یسر (شرافتہ)	ل	لذہ	الہی
			ارتباط عاطفی با خدا ودعا
			حریمی (فردی)
			علم (آگاہی و پژوہش)
			بینی (اجتماعی)
			اقدام خیر و ارتباط حقدار با انسانہا و غیرانسانہا
			انفاق
			ہنر
ایمان و عمل به اسلام	لذتہای حق مدار حواس پنجگانہ	رسانہ و سینمای حکمت مدار و امکانات فناورانہ	حکمہ جمالی و نقلی
	استفادہ از زینتہا وملزومات زندگی	وجوہ فرہنگی	شادی و طنز
قرآن نوین	پوشاک و سبک پوشش	سیاحہ و گردشگری	سبک زندگی و امکانات شہر نوین اسلامی
	کار و معاش	منظومہ لذایذ اجتماعی (منظومہ روز عشق به خدا، قرآن نوین ، منظومہ ضیف (ضیافت ، یقظہ ، فرح)، منظومہ امکانات فناوری اطلاعات، منظومہ نکاح، منظومہ ورزش و تفریحات، منظومہ مسکن)	
		خوراک ، پوشاک ، مسکن ، نکاح ، آموزش	
م	ملزومات		

در بخش انجام، ارکان اجتماعی تحقق معاش و شیوہ اصلی و غالب داد و ستد در معاش اسلامی مدایقہ و معین می گردد. زیرا لازم است در راستای تحقق ہدف اقتصاد حقیقی اسلامی ، یکی از اقسام داد و ستد اجتماعی بعنوان رکن اصلی پذیرفته شود .

اگر بخواہیم اقتصاد حقیقی اسلامی را تعریف و تحدید کنیم باید ارکان ذیل را در آن لحاظ نمائیم:

- ۱- نظام مالکیت بر منابع و مواهب کشور را معین کند
- ۲- ثروت حقیقی و اجزاء آن را تبیین کند
- ۳- نظام تخصیص ثروت حقیقی بین افراد جامعه را مشخص نماید
- ۴- شیوه و نوع داد ستد اصلی و لازم برای تحقق موارد فوق را انتخاب کند

با این رویکرد در بخش انجام باید شیوه غالب داد وستد جامعه اسلامی معین شود.

انواع داد و ستد اجتماعی (اقسام روشهای رفع نیازهای زندگی بشر در جامعه مدنی)		
هدف	تعریف	نوع
برکت	مشارکت عمومی بمنظور تخصیص حقدار و عادلانه عیش (بعنوان ثروت حقیقی) به همه آحاد جامعه	معیشت
ربح	بهره مندی مبتنی بر سهم بری بر اساس میزان مشارکت	تجارت
خیر	بخشش یا قرض از بضاعت‌های جانی و مالی در راستای کسب رضای خدا و کمک به خلق او	احسان
نفع	کسب سود مبتنی بر فروش	بیع

با نگاهی منصفانه به اقسام فوق و مدایقه در هدف دانش اقتصاد اسلامی و حقدار (برکت بعنوان استقرار مدام خیر و نعمتها) بر ما آشکار می گردد که معیشت، شیوه ای است که تامین کننده اهداف مد نظر اسلام در بخش سبک زندگی خواهد بود

مبتنی بر مقدمات تشریح شده قبلی، روشن شد که بیع با اقسام دیگر داد وستد اجتماعی هم جنس نیست و بر خلاف معیشت و تجارت و احسان که بنیانی وحدت مدار دارند ، بیع ، وحدت گریز است و نظام تدوین



عیش بعنوان ثروت حقیقی و تخصیص حقمدار آن در جامعه ، فاصله زیادی دارد. بنابراین شیوه های معیشت، تجارت و احسان ، اقسامی هستند که در نظام معاش اسلامی قابل استفاده خواهند بود.

بر این اساس، معاش اسلامی دارای سه بخش عمومی ، یقظه و شخصی خواهد بود.

عیش : ع ی ش : عمومی ، یقظه ، شخصی

در بخش عمومی، شیوه معیشت با مشارکت عمومی محقق می گردد و مبتنی بر نظام زمان بندی صحیح زندگی بشر و صنعت مقتدر ، حدود یک سوم سال صرف پرداختن به معیشت خواهد شد

نظام زمان بندی زندگی بشر در ریشه کلمه اسلام خلاصه شده است:

سلم : س ل م : سلامت ، لذت ، معاش

در بخش یقظه ، وجوه احسانی در جهت تحقق معاش اخلاق محور ، کارسازی می شود

در بخش شخصی ، با توجه به عدم تقابل اسلام با سرمایه داری و فعالیت اقتصادی شخصی، آحاد جامعه به فعالیتهای اقتصادی شخصی می پردازند . مشکلی که هم اکنون با بخش خصوصی و سرمایه داری وجود دارد مربوط به هدف انتفاع این بخش در وضع فعلی است زیرا هدف این بخش تهیه ملزومات زندگی محرومین و نیازمندان جامعه شده است در حالیکه آنها نیز مالک مواهب طبیعی کشور خود هستند.

در بخش شمول، نظام تخصیص عیش بعنوان ثروت حقیقی به افراد جامعه تدوین می گردد. معادل قرآنی این نظام ، زکوة است. شیوه دادن زکوة در زمان صدر اسلام ، متناسب با شرایط آن دوران و مصادیق ثروت در آن زمان بوده است و گرنه خداوند حکیم ، عاجز از بیان مصادیق شمول زکوة نبود. وقتی در قرآن موکدا تاکید می شود که "آتوا الزکوة ، زکوة را بدهید " فعل "آتوا" رهنمون تخصیص است و بهمین سادگی مشخص است که زکوة ، نظام تخصیص عیش در جامعه اسلامی است.

کلمه زکوة یکی از کلمات علمی قرآنی است و علم و تاویل کلمات قرآن ، در خودشان نهفته است و باید در آنها رسوخ علمی کنیم .



بر این اساس انواع تخصیص مبتنی بر حروف اختصاری زکوة به شرح ذیل قابل مדיقه است:

زکوة: ه و ک ز : تخصیص وجدانی، کامل، زائد

تخصیص وجدانی عبارتست از اینکه افراد با در نظر گرفتن اقتضائات زندگی خود و رویکرد وجدانی به نیازهای جامعه، نسبت به تخصیص منظم و مستمر بخشی از مقدرات خود به جامعه اقدام نماید
تخصیص کامل عبارتست از نظام تخصیص عیش بعنوان ثروت حقیقی بین تمام افراد جامعه
تخصیص زائد عبارتست از نظام تخصیص مواهب کشور که افزون بر نیازهای تخصیص عیش بصورت کامل، قابل ارائه می باشد

کلمات قرآن، کلماتی غنی و هدایاتگر هستند. این کلمات فقیر نیستند بلکه هادی و راهگشای زندگی بشر می باشند.

حروف کلمه زکوة، حاوی نکاتی است که هدایتگر ما در شناخت و تدوین نظام تخصیص و توزیع عیش می باشد.

زکوة: ز ک و ه : تخصیص وجوه (ارکان) کمال زکی

زکوة: تخصیص وصالی (استحصالی)، کفایتی، زینتی

نظام لذت و التذاذ حقمدار در قالب عیش و مبتنی بر ارکان سلامه، لذت و ملزومات قابل مדיقه است.

بر این اساس، تخصیص کامل زکوة، عبارتست از تخصیص وصالی، کفایتی و زینتی مصادیق سلامت، لذت و ملزومات معیشت اسلامی.



تخصیص وصالی (استحصالی) رهنمون اختصاص مصادیقی است که افراد جامعه حسب استعداد ، علاقه ، نیاز جامعه و مقدرات و منابع موجود ، مهارت استفاده یا التذاذ از آنها را به دست می آورند.

تخصیص کفایتی، رهنمون اختصاص مصادیقی است که لازم است به میزان کفایت در اختیار افراد جامعه قرار بگیرد.

تخصیص زینتی ، رهنمون اختصاص مصادیقی است که بعنوان زینت معیشت استفاده می شوند.

تخصیص ، در قالب اقسام اختصاص (تساوی و اختلاف) و نیز عوامل و ذینفعان ، محقق می گردد.

تخصیص وجوه زینتی عیش (سلامه ، لذت، ملزومات)	زینتی	ز	تخصیص کامل عیش در جامعه
تخصیص وجوه کفایتی عیش (سلامه ، لذت، ملزومات)	کفایتی	ک	
تخصیص وجوه وصالی عیش (سلامه ، لذت، ملزومات)	وصالی (استحصالی)	و(ا)	
عوامل فردی و اجتماعی : استعداد، علاقه، نیاز جامعه، مقدرات و منابع اقسام اختصاص: تساوی، اختلاف ذینفعان: انسانها، حیوانات، نباتات	تخصیص	ه	

در بخش عوارض معاش اسلامی، عوارض علمی ناشی از وجوه مبنایی معاش ، مورد مدايقه قرار می گیرند که در کلمه صلوه ، خلاصه شده اند.

صلوه: ص ل و ه : صنعت ، لذات ، وزن ، تمدن

صنع : نظام صناعت و تولید

لذات : انتظام منظومه های لذایذ حقمدار اجتماعی

وزن : نظام ارزش و وزن حقیقی و متناسب بین ملزومات

تمدن : ساختار شهر نوین اسلامی

هدای صلوة (نظام علمی معاش اسلامی)			
ص	صنع	نظام صنع و تولید	اقسام تولید: تمام صنعتی، نیمه صنعتی، سنتی و هنری
			زمان بندی زندگی بشر: سلامت، لذت، معاش : یک سوم سال پرداختن به معاش
ل	لذات	انتظام منظومه های لذایذ حقمदार اجتماعی	با سامان دادن لذایذ حقمदार و حلال اجتماعی حول محور چند منظومه آزادی شاخص، زمینه تحقق پویاترین و شادترین نظام اجتماعی دینی فراهم می آید
و (ا)	وزن (اوزان)	میزان: (نظام ارزشگذاری و تبادل ملزومات)	قسط
			ق قوام (حکمه و طرح)
			س ساعت
ة	تمدن	ساختار شهر نوین اسلامی	ط طبیعت
			کیل
			مکیال
م	مقابله	ساختار مسکن نوین اسلامی	نظام اجرایی میزان (ساختار مالی اسلامی مبتنی بر نظام متمرکز تمام الکترونیک)
			د
			ن
م	مقابله	ساختار مسکن نوین اسلامی	واحد مبادله (پول) قرآنی بیع اسلامی
			دحو
			نظام
م	مقابله	ساختار مسکن نوین اسلامی	تنظیم ساختار مسکن بر اساس هدای قبله در قرآن
			دحو
			نظام
م	مقابله	ساختار مسکن نوین اسلامی	برنامه های کنترل جمعیت شهر
			دحو
			نظام
م	مقابله	ساختار مسکن نوین اسلامی	ساخت شهر
			دحو
			نظام
م	مقابله	ساختار مسکن نوین اسلامی	سلم: سکونت، لذات، معاش
			دحو
			نظام

مبتنی بر نظام صنع ، اقسام تولید بررسی و تدوین شده و به طور صحیح جهت تولید ملزومات معیشت جامعه ، از آنها استفاده می شود. می توان اقسام تولید را در سه نوع تمام صنعتی ، نیمه صنعتی و سنتی هنری خلاصه نمود. بدلیل اغراض منفی مستکبرین در جهت نهادینه کردن برده داری مدرن در دنیا ، تولید تمام صنعتی ، نقش حقیقی خود را ایفا نمی کند و افراد جامعه علیرغم حضور نظام تولیدی صنعتی و پشتوانه



علمی توسعه یافته آن ، هنوز هم اسیر فعالیت کاری در تمام سال هستند در حالیکه ائمه هدی علیهم السلام قرن‌ها پیش با کلام حکیمانه خود اشاره کرده اند که یک سوم از ساعات انسان باید در امر معاش صرف گردد که روی دیگر این کلام اشاره به این مهم دارد که با نظام صحیح صنعت و صنع ، افراد جامعه حداکثر یک سوم سال را صرف تولید ملزومات معیشت خود می کنند. طبق آمارها ، هم اکنون بیش از پنجاه درصد نیروی کار کشور در مشاغل غیر مولد فعالیت دارند.

ساعات و زمان بندی سه گانه زندگی بشر در ریشه کلمه اسلام ، یعنی سلم خلاصه شده است.

سلم : س ل م : سلامه ، لذت ، معاش (دقت کنید عبادت یکی از برترین اقسام لذت در نظام لذائذ حقدمدار و ثروت حقیقی محسوب می شود)

مبتنی بر نظام لذات، منظومه های آزادی و لذایذ حقدمدار اجتماعی تنظیم می شوند .

یکی از وجوه اجتماعی مهم سبک زندگی نوین اسلامی ، تدوین نظام منظومه لذایذ اجتماعی می باشد.

منظومه های لذایذ اجتماعی عبارتند از سامان دادن احسن لذتهای حقدمدار حول محور یکی از لذایذ اجتماعی بگونه ای که برنامه زندگی افراد جامعه با رویکرد لذتجویی از نعمات الهی، انسجام خاصی یابد و به عنوان فرهنگ اجتماعی تمدن اسلامی قابل ارائه و صدور باشد.

۱- منظومه روز عشق به خدا

۲- قرآن نوین

۳- منظومه ضیف (ضیافت ، یقظه ، فرح)

۴- منظومه امکانات دیجیتالی و فناوری اطلاعات

۵- منظومه نکاح

۶- منظومه ورزش و تفریحات

۷- منظومه مسکن

لذت، تنها آنچه که مخالفان اسلام در برابر دیدگان جهانیان ترسیم کرده اند نیست تا ما بر اساس آن با اصالت لذت، ستیز کنیم بلکه لذت، اصالت دارد چرا که بهشت الهی جایگاه التذاذ است.

مبتنی بر نظام وزن ، تدوین ارزش ملزومات و تناسب ارزشی بین آنها و نظام اجرایی آن بر اساس دانش مستور در کلمات قرآنی (قسط، کیل و مکیال) ، محقق می گردد.



(الرحمن).

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (٩)

و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاھید

ثبات و تناسب از جمله صریح ترین اصول صحیح و حقدار می باشد. با این وجود عجیب است که نوسان و تعیین قیمت بر اساس عرضه و تقاضا، رکن پذیرفته شده اقتصاد فعلی، شده است.

دانش مستور در کلمه قسط، ما را هدایت می کند که نظام ارزشگذاری ثابت و حقدار ملزومات معیشت جامعه را بر اساس وجوه مشترک تمام ملزومات و نسبت بین آنها تدوین نمائیم.

حروف قسط رهنمون مولفه هایی هستند که در تمام ملزومات مشترک هستند.

هدای قسط		
نظام ارزشگذاری ملزومات معیشت بر اساس هدایت مستور در حروف قسط		
ط	س	ق
طبیعت	ساعت	قوام
طبیعت بکار گرفته شده در تولید ملزومات اعم از ماده، نیرو و انرژی و منافع گیاهان و جانداران	زمان استفاده شده در ملزومات اعم از انسانی و غیر انسانی	حکمه و طرح بکار رفته در ملزومات

با اعمال نظام ارزشگذاری ثابت و متناسب بین ملزومات جامعه، تورم و ربا و اقتصاد ناعادلانه رخت برمی بندد و یسر و افری فضای معاش جامعه را در بر خواهد گرفت.

نظام اجرایی و مالی تحقق نظام وزن و قسط، در قرآن در قالب نظام کیل قابل استنباط است که مبتنی بر پول قرآنی مکیال و بر اساس نظام مالی و پول تمام الکترونیک و متمرکز که نتیجه اعمال یسر با استعانت از دانش روز می باشد کارسازی می گردد.

کیل : ل ی ک : لوازم یسر کسب



دلیل استنباط کیل بعنوان نظام مالی قرآنی ، قرار گرفتن آن در کنار میزان ، بعنوان نظام ارزشگذاری ملزومات است.

(. الأنعام).

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (١٥٢)

و به مال یتیم جز به نحوی [هر چه نیکوتر] نزدیک مشوید تا به حد رشد خود برسد و پیمانانه و ترازو را به عدالت تمام بپیمایید هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم و چون [به داوری یا شهادت] سخن گوئید دادگری کنید هر چند [در باره] خویشاوند [شما] باشد و به پیمان خدا وفا کنید اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است باشد که پند گیرید

این بسیار مهم است که نظام مفاهیم بنیانی علوم ما بر اساس هدایات کتاب خدا تنظیم شوند و مبین اقتدار و استقلال علمی جوامع اسلامی باشند.

(. الأعراف).

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (٨٥)

و به سوی [مردم] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست در حقیقت شما را از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است پس پیمانانه و ترازو را تمام نهدید و اموال مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید این [ارهنمودها] اگر مؤمنید برای شما بهتر است



(هود).

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَأَيْتُمْ
بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مَّحِيطٍ (٨٤)

و به سوی [اهل] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید برای شما جز او
معبودی نیست و پیمانانه و ترازو را کم مکنید به راستی شما را در نعمت می‌بینم و [الی] از عذاب روزی فراگیر
بر شما بیمناکم

مزایای سیستم مالی و پولی تمام الکترونیکی متمرکز عبارتند از:

- ۱- عدم نوسان قیمت و جلوگیری از ربا
- ۲- امکان نظارت از طریق نظام متمرکز الکترونیکی در مواردی همچون کنترل عدم خرید ملزوماتی که تاریخ مصرفشان منقضی شده است و همچنین کنترل قراردادهای اقتصادی که نیاز به احراز شرایط لازمه خود را دارند بمنظور جلوگیری از جرائم اقتصادی و ایجاد ثبات و آرامش در فضای کسب و کار
- ۳- کاهش هزینه های مربوط به تولید و نگهداری پول کاغذی و فلزی
- ۴- امکان انجام مبادلات مالی عمومی با کمترین هزینه و کوتاهترین روش
- ۵- امکان نظارت دقیق تمام مبادلات مالی و افزایش دقت شاخصهای اقتصادی
- ۶- امکان اجرای یسیر مصادیق خیر و احسان در جامعه
- ۷- امکان نظارت در خصوص عدم اسراف در جهت تدوین نظام اعاده و بازیافت مواد

مبتنی بر نظام تمدن ، ساختار شهر نوین اسلامی ، انسجام می یابد .

کلمه اسلام ، کلید طرح ریزی زندگی بشر بر اساس آخرین و کاملترین دین الهی است. کلمه اسلام ، خود یک دانش بزرگ است .

ریشه کلمه اسلام (سلم) رهنمون ارکان علمی موضوعات مهم زندگی اجتماعی بشری است.



(البقره).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (٢٠٨)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی به اطاعت [خدا] درآیید و گامهای شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است

یکی از این موضوعات ، ساختار شهر نوین اسلامی است. حروف سلم، رهنمون سه رکن شهر اسلامی مبتنی بر معاش می باشند.

اسلام: سلم: س ل م : سکونت، لذات، معیشت

توجه به ارکان مذکور مبتنی بر نظام علمی معاش اسلامی ، نیل به منظم ترین و یسیرترین ساختار شهر نوین اسلامی را سبب ساز می گردد.

صورت و ساحت کلی شهر نوین اسلامی در قالب سه رکن سکونت ، لذات و معیشت ، قابل خلاصه است.

ساختار شهر نوین اسلامی ، ارتباطی تنگاتنگ و پیوسته با نظام معاش اسلامی دارد.

در صورتیکه نظام تخصیص عیش بصورت صحیح تدوین گردد ساختار پایدار شهر نوین اسلامی قابل پیش بینی است و نسبتهای ثابت بین ملزومات آن برای ابعاد متفاوت که بر اساس اقتضائات جغرافیایی عارض می گردد قابل محاسبه خواهد بود که زمینه بناء و ایجاد یسیر شهر نوین اسلامی را بصورت یک مجموعه غنی و پایدار در همان بدو پایه ریزی شهر فراهم می آورد.

ترسیم صحیح ارکان شهر (سکونت ، لذات ، معیشت) یسر اجتماعی را سبب ساز می گردد.

نظام خانه سازی و نظام برنامه ریزی و کنترل جمعیت ،شاخصه های مهم پایه ریزی شهر نوین اسلامی هستند که با یکدیگر ارتباط مستحکمی دارند و هدایت علمی آنها در قرآن و در ایه ذیل بیان شده است:

(یونس).

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكَ مِمَّا بَمِصْرَ بِيُوتًا وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ
الْمُؤْمِنِينَ (٨٧)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه‌هایی ترتیب دهید و سراهایتان را رو به
روی هم قرار دهید و نماز برپا دارید و مؤمنان را مژده ده

بر اساس آیه فوق ، خداوند به حضرت موسی و برادرش هارون وحی می کند که خانه هایی بسازند و آنها را
بصورت قبله قرار دهند.

نکات ظریفی در ساختن خانه ها بصورت قبله وجود دارد.

افراد جامعه ، بطور طبیعی دارای پیوستگی های قومی می باشند و بهترین شکل تجمع آنها در ساختار شهر
، کنار هم بودن آنهاست تا از یکدیگر حمایت کنند.

ساختار خانه سازی قبله ، در حقیقت زندگی کنار هم نسلهای یک قوم

همچنین رشد جمعیت یک شهر در حقیقت در میان نسلهای یک قوم اتفاق می افتد

همچنین برنامه های کنترلی رشد جمعیت در تسلسل نسلهای یک قوم متجلی می شود .

بر این اساس ، با تعیین تعداد مجاز فرزند آوری و با در نظر گرفتن سن ازدواج و سن مرگ و میر ، می توان
نسبتهای ثابتی را تنظیم نمود که بر اساس آن

اگر بر اساس یک برنامه جمعیتی ساده ، تعداد فرزندآوری مجاز ، سن ازدواج و نیز سن مرگ و میر را لحاظ
کنید مشاهده خواهید کرد که در نهایت، نسلهای یک خانواده به تعداد مشخص و ثابتی افزایش خواهد یافت و
در یک چرخه گردشی تکرار خواهد شد که حداکثر آن در نطقه بلوغ جمعیتی شهر نمایان می گردد. با در نظر
گرفتن این مهم و مسئله لزوم زندگی حمایتی نسلهای یک خانواده ، به هدای قبله در قرآن میسریم که قرنهای
پیش در قالب یک کلمه ساده (قبله) ما را متوجه این نکته کرده است.



مبتنی بر برنامه ریزی جمعیتی و فرزند اوری، تعداد نسلهای یک خانواده که در قید حیات هستند ثابت خواهند بود که می توانند در قالب خانه هایی روبروی هم زندگی کنند و با صنعت ساخت و ساز صحیح ، نسلها تنها در داخل نظام خانه سازی قبله گردش می کنند و نیازی به رشد بی رویه شهرها نیست.